

آداب معاشرت انسان امروزی در دیوان حافظ

محمود رخ بخش زمین

حافظ پژوه

فناوری جدید، چنان در زندگی انسان امروزی رخنه کرده است که نه تنها فرصت را از او گرفته، بلکه آرامش را هم از او سلب کرده است. البته در مقابل آن، انسان به آسایش نسبی بیشتر دست یافته است.

از دست رفتن تعادل بین آسایش و آرامش، زندگی انسان را دست‌خوش مشکلات و پیچیدگی‌هایی کرده است؛ تا آن‌جا که برای رفع مشکلات خود به کانون‌ها و مراکز درمانی و مشاوره‌ای روی آورده است، تا با تحلیل مسائل و مشکلات خود، آرامش از دست رفته را بازیابد.

گروهی از مردم که به چنین مراکز دسترسی ندارند و از رهنمود درمان‌گران بی‌نصیب می‌مانند، ساده‌ترین راه برای آنان مراجعه به متون کهن ادب فارسی و به خصوص تفال به دیوان خواجه‌ی اهل راز است. وجود پایگاه‌های اینترنتی فال حافظ و فال‌نامه‌های متعدد چایی در بازار شاهد بر این ادعاست.

حسن چنین کارهایی به قول دکتر حسن‌لی در بزرگداشت حافظ (۱۳۸۸) در این است که مردم به هر شکلی که شده است، دیوان حافظ را می‌خوانند و آن را از زاویه‌ی دید خود بررسی می‌کنند.

بررسی موضوعی دیوان خواجه، نیز یکی دیگر از راه‌هایی است که می‌توان راه‌کارهای زندگی را از آن یافت.

در این مقاله، سعی بر آن است تا با محور قرار دادن رفتار اجتماعی و آداب معاشرت، مفاهیم موردنظر را از دیوان حافظ استنباط و استخراج کرد. از آن‌جا که مفاهیم مندرج در دیوان حافظ، نشأت گرفته از مفاهیم قرآنی است، محدودیت زمانی و مکانی ندارد. بنابراین نه تنها انسان امروزی بلکه آیندگان نیز می‌توانند از آن برخوردار شوند.

اگر حافظ به یک کار بنیادی و محض در غزل‌سرایی پرداخته است، ما با برداشت‌های خود از این دیوان به علوم کاربردی روی آورده‌ایم.

«جوانمردا، این شعر را آئینه می‌دان، آخر دانسی که آئینه را صورتی نیست درخود، اما هر کس در آن بنگرد، صورت خویش را می‌تواند دید در آن. هم‌چنین می‌دان شعر را؛ زیرا که شعر را درخود، هیچ معنای ثابت نیست، اما هر کسی از شعر آن معنی را تواند دید که نقد روزگار او باشد و کمال کار او...»^۱

حافظ، حافظ است و شعرش به مرحله‌ای از کمال رسیده که در طول قرن‌ها جایگزین آئینه‌ی درون‌نمایی انسان شده باشد، یعنی هر کس در شعر حافظ، خویشتن خویش را می‌بیند و با انفعال روحی خود مواجه می‌شود. البته در صورتی که حافظ را شناخته باشد. شناخت مردی مانند حافظ، آن‌گاه، امکان‌پذیر است که فرهنگ حافظ را بشناسیم...^۲

طرح‌های حافظ:

بررسی غزل‌های حافظ نشان می‌دهد که حافظ پیوسته به یک جامعه‌ی آرمانی می‌اندیشیده است و پیرو آن به ارائه طرح‌های نو و تازه‌ای پرداخته است.

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

^۱ - نامه‌های عین‌القضاه همدانی به نقل از واژه‌نامه‌ی غزل‌های حافظ ص ۱۲.

^۲ - شهید مطهری به نقل از واژه‌نامه‌های غزل حافظ، ص ۱۳.

در ابیات زیر، طرح‌های نو و تازه‌ای را می‌توان یافت:

آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست عالمی دیگر بیاید ساخت و زنو آدمی

برسرآتم که گرز دست برآید دست به کاری زخم که غصه سرآید

به یاد یار و دیاران چنان بگیریم زار که از جهان ره و رسم سفر براندازم

عیب درویش و توانگر به کم و بیش بد است کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم

دمی با غم به سر بردن جهان یک سرنمی‌ارزد به می بفروش دلق ما کزین برتر نمی‌ارزد

تجدید بنای آدم و عالم، برانداختن ره و رسم سفر، سرآمدن غصه، انجام ندادن کار بد، به طور مطلق و عدم معاوضه تمام دنیا با لحظه‌ای غم و غصه، طرح‌های ایده‌آلی بوده است که آن‌ها را حافظ در «ذهن و زبان» خود جاری ساخته است.

تلاش انسان امروزی در اجرائی ساختن چنین طرح‌هایی، باعث برقراری روابط اجتماعی مطلوب، نظم اجتماعی بهینه و رعایت آداب معاشرت بیشتر شده است. که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

آداب معاشرت و روابط اجتماعی:

در هر غزل حافظ بیست‌هایی وجود دارد که در آن‌ها از افعال امر و نهی استفاده شده است. این نوع بیت‌ها به دستورالعمل‌هایی شبیه است که می‌تواند راه گشای مسائل، در زندگی انسان امروزی باشد.

با امعان نظر به چنین بیت‌هایی می‌توان به اصول آداب معاشرت در دیوان حافظ دسترسی یافت؛ هرچند با توجه به وسعت نظر حافظ جمع شدن معانی در این مختصر فراهم نیست.

^۲ - «ذهن و زبان حافظ» نام کتابی از بهاء‌الدین خرمشاهی است.

اصولا انسان در مقابل رفتارهای به‌هنجار و نابه‌هنجار دیگران سه نوع واکنش از خود نشان می‌دهد: الف- ستیزه ب- فرار ج- مصالحه

هنوز هم «مصالحه» رفتار و واکنشی است که بیش‌ترین سهم را به خود اختصاص داده است. «فرار» و «ستیزه» به ترتیب در مرتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

به منظور یافتن اصول آداب معاشرت در روابط اجتماعی، به انطباق برخی از بیت‌های دیوان حافظ با این سه نوع واکنش پرداخته شده است.

الف- ستیزه: رفتاریست خصمانه و کینه‌جویانه که انسان در موارد اضطراری به منظور دفاع روانی از خود بروز می‌دهد.

حافظ به علت داشتن شیوه و منش «ملامتیه» کم‌تر به ستیزه پرداخته است. وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم که در طریقت ما کافری است رنجیدن

در همین راستا، حافظ به جای ستیزه از عکس‌العمل تهدید استفاده کرده است. و مدعی، محتسب، زاهد و... را مخاطب قرار داده است.

سرتسلیم من و خشت در میکده‌ها مدعی گر نکند فهم سخن، گو سرو خشت

ای که از کوچ‌های معشوقه‌ی ما می‌گذری برحذر باش که سر می‌شکند دیوارش

مدعی گو، لغز و نکته به حافظ مقروش کلک ما نیز زبانی و بیانی دارد

ب- فرار: مواردی پیش می‌آید که انسان برای تأمین بهداشت روانی خود به مکانیسم دفاعی روانی «فرار» دست می‌زند تا از مهلکه، جان سالم بدر برد. احتراز، جدائی، بی-تفاوتی و مبارزه‌ی منفی از جمله فنونی است که حافظ به منظور رهایی از فرد یا موقعیت نامناسب انتخاب کرده است.

نخست موعظه‌ی پیر صحبت این حرف است که از مصاحب ناجنس احتراز کنید

پیر پیمان‌ه کش من که روانش خوش باد گفت پرهیز کن از صحبت پیمان‌شکنان

بیموزمت کیمیای سعادت زهم صحبت بد جدائی، جدائی
چاک خواهم زدن این دلق ریائی چه کنم روح را صحبت ناجنس عذابی است الیم
به رحمت سرزلف تو واقتم ورنه ککش چو نبود از آن سو چه سود کوشیدن
ج- مصالحه^۴: مصالحه همان به توافق رسیدن است که نتیجه‌ی آن آرامش انسان
امروزی در جهان است. در دیوان حافظ، نکات ریزی مطرح می‌شود تا انسان‌ها را به
مصالحه و روابط اجتماعی مطلوب برساند.

قبل از استخراج اصول آداب معاشرت از دیوان حافظ، بهتر است به اصول
آداب معاشرت از دیدگاه عرف عام و صاحب‌نظران پرداخته شود:
برای رعایت آداب معاشرت به نکته‌های زیر باید توجه داشته باشید.

«مودب باشید، دشنام ندهید، با صدای بلند صحبت نکنید، کنترل خود را از
دست ندهید به دیگران خیره نشوید. صحبت کسی را قطع نکنید، وقت‌شناس باشید،
اسرار زندگی خصوصی را فاش نکنید، صداقت و بصیرت، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین
عامل برای حفظ اعتبار یک فرد متشخص است. جزئیات زندگی شما باید محرمانه
بماند، پس صحبتی در رابطه با زندگی خود با کسی در میان نگذارید، حرمت بزرگ-
ترها را نگاهدارید، به اشتباهات دیگران نخندید و فخرفروشی نکنید.^۵

علاوه بر موارد فوق در قرآن سوره‌ی نور از آیه‌ی ۲۷ تا چندین آیه‌ی بعد

آمده است:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل مشوید تا
اجازه بگیرید. و بر اهل آن سلام گوئید، این برای شما بهتر است. باشد که پند گیرید
و اگر کسی را در آن نیافتید، پس داخل مشوید، تا به شما اجازه داده شود، و اگر شما
گفته شد، برگردید، پس برگردید که آن برای شما سزاوارتر است و خداوند آنچه را
انجام می‌دهد داناست»^۶

^۴ - مصالحه اصطلاحی است روان‌شناسی و با مصلحت‌اندیشی که حافظ با آن مخالف است تفاوت دارد.

^۵ - مریم پاکرو، ۱۳۸۴. Tebyan.net

^۶ - قرآن مجید

در قرآن مجید علاوه بر مورد فوق، موارد حسن خلق، اکرام و احترام، محبت و اظهار آن، پوشاندن عیوب، عفو و گذشت، مدارا کردن و مشورت از جمله مواردی است که بر روی آن تاکید کرده است.

در غزل‌های حافظ نیز به شکل‌های مختلف در ادبیات متفاوت از مواردی که از آن‌ها سخن رفت، مطرح شده است:

۱- احترام به بزرگ‌ترها:

به می سجاده رنگین کن گرت پیرمغان گوید که سالک بی‌خبر نبود ز راه و رسم منزل‌ها در تصوف، «پیر» بالاترین مقام هر سلسله است. در هر سلسله، فقط یک «پیر» وجود دارد. این‌ها همان «مجدوبان سالک» هستند که با الهام غیبی از توانمندی خارق‌العاده‌ای برخوردارند. در تصوف بعد از «پیر» شیخ قرار دارد. هر خانقاه دارای یک شیخ است.

گرچه در دیوان حافظ، منظور از «پیرمغان» همان پیر تصوف است و جنبه‌ی عرفانی دارد. با برداشت اجتماعی از آن، اصولاً «پیر» به بزرگ‌ترهایی گفته می‌شود که از توانمندی خارق‌العاده‌ای برخوردارند و طرف مشورت افراد و اعضای خانواده قرار می‌گیرند و برای او احترام قائل هستند.

نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست‌تر دارند جوانان سعادت‌مند پند پیر دانا را به درد و صاف تو را حکم نیست خوش درکش که هرچه ساقی ما ریخت عین الطاف است «همیشه کاری کنی که بالا دستانتان احساس کنند که کاملاً بر شما برتری دارند. اگر خواستید آن‌ها را خوشنود کنید یا تحت تاثیر قرار دهید در نشان دادن استعدادهایتان زیاده روی نکنید، زیرا ممکن است نتیجه‌ی عکس بگیرید.»

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست

۲- به خاطر توانمندی‌هایی که از اجتماع کسب کرده‌اید، و یا ذاتاً در وجودتان سرشته است به زیردستان خود کمک و یاری رسانید، چون در این صورت است که آن‌ها به شما احترام می‌گذارند و روابط اجتماعی مطلوب خواهد شد:

ای صاحب کرامت، شکرانه‌ی سلامت روزی تفقیدی کن درویش بنیوا را
همت بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نو سفرم

۳- اگر می‌خواهید قلب دیگران را تسخیر کنید و در دنیا و آخرت برای خود آسایش خریداری کنید با کسانی که دم از دوستی با تو می‌زنند جوانمردانه رفتار کن و با دشمنان خود مهربانی کن.

آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است بادوستان مروت، با دشمنان مدارا

۴- راه حل مبارزه با سختی‌ها و تنگدستی‌های زندگی، داشتن اعتماد به نفس و روحیه‌ی بالا است.

هنگام تنگدستی، در عیش گوش و مستی کاین کیمیای هستی، قارون کند گذارا
با افزایش این مورد که در برخی موارد، اختیار نیز با ما نیست.

غم جهان مخور و پند من مبر از یاد که این لطیفه نغزم زهرروی یادست
رضا به داده بده وزجبین گره بگشای که بر من و تو در اختیار نگشادست

۵- ارتباط مطلوب اجتماعی و آداب معاشرت ایجاب می‌کند که انسان‌های مسن و جا افتاده، به رفتارهای شبیه به رفتار جوانان نپردازند.

ای دل شهاب رفت و نچیدی گلی زعیش پیرانه سرمکن هنری ننگ و نام را
«زشت‌ترین عادت برای پیران هوسبازی است»^۷

۶- اگر می‌خواهید که دیگران میل به ارتباط اجتماعی با شما داشته باشند، و پیوسته این ارتباط از کیفیت بالایی برخوردار باشد، از استمرار ارتباط اجتماعی با دیگران پرهیز کن.

در بزم دور، یک دو قدح درکش و برو یعنی طمع مدار وصال مدام را
۷- بعضی از مسائلی که حافظ و دیگران بر روی آن تاکید ورزیده‌اند، عبارتند از: قدر فرصت‌ها را دانستن، به عیش نقد کوشیدن، در دوران زندگی احوال دیگران را پرسیدن و حداکثر استفاده از موقعیت‌ها و امکاناتی که در اختیار است. رعایت موارد ذکر شده به ارتباط اجتماعی و آداب معاشرت مطلوب کمک شایانی می‌کند:

در عیش نقد کوش که چون آبخور نماند آدم بهشت روضه‌ی دارالسلام را
پنج روزی که در این مرحله فرصت‌داری خوش بیاسای زمانی که زمان این همه نیست
ای دل ار عشرت امروز به فردا فکنی مایه‌ی نقد بقا را که ضمان خواهد کرد؟
گل عزیز است، غنیمت شمردش صحبت که به باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد
خیز و در کاسه‌ی زر آب طربناک انداز پیش‌تر زان که شود کاسه‌ی سرخاک انداز

۸- هر کسی مسئول اعمال و رفتار خودش است، عادت به عیب‌جوئی از دیگران از جمله ویژگی‌هایی است که انسان‌ها را از هم دور نگه می‌دارد. بنابراین آداب معاشرت ایجاب می‌کند که از عیب‌جوئی پرهیز شود.
عیب‌رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت

۹- سخن را به جا و به موقع بگوئید تا مقبول نظر عام قرار گیرید. اگر تشخیص دادید که در مجلسی افرادی برتر از شما وجود دارند، از توانمندی‌های خودتان سخن به میان نیاورید. راه حل، در این گونه مجالس سکوت است.

با خرابات نشینان زکرامات ملاف هر سخن جانی و هر نکته مکانی دارد

در برخی موارد، سخنان نغز هم اگر در جای خود ارائه نشود، مشکل‌ساز است.

۱۰- یکی از ارکان مهم ارتباط اجتماعی و آداب معاشرت، راز داری است. شما باید، این توانمندی را در خود ایجاد کنید که راز خودتان را حتی‌الامکان با دیگران در میان نگذارید (حد و مرز را رعایت کنید) و اگر کسی هم راز دل خود را با شما در میان گذاشت، آن را نگهداری کنید. «دردا که راز پنهان خواهد شد آشکار».

در دیوان حافظ ابیات بسیاری در مورد رازداری وجود دارد.

گر خود رقیب شمع است، اسرار ازو بپوشان کساین شوخ سربریده بنسد زبان نسدارد

۱۱- اگر به اطرافیان خدمت می‌کنی، انتظار و توقع جبران بلافاصله‌ی آن را نداشته باش. او خود باید به این نتیجه برسد که از تو تشکر کند. در ارتباط‌های اجتماعی، ما نباید دیگران را مجبور به سپاس‌گزاری از خودمان بکنیم.

تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن که دوست خود روش بنده پروری داند.

علاوه بر آن، نباید خدمات صادقانه خودمان را که ارزش معنوی دارند. با ارزش‌های معامله کنیم. دوستی‌ها را فدای مادیات نسازیم.

یار مفروش به دنیا که بسی سود نکرد آن که یوسف به زرناسره بفروخته بود

۱۲- آداب معاشرت ایجاب می‌کند که، انسان‌هایی را که اشتباهاتی انجام داده‌اند و یا گناهی کرده‌اند مورد حقارت و سرزنش قرار ندهیم، چون ممکن است که آن اشتباهات تحت شرایطی به وجود آمده، و خود به تنهایی تصمیم‌گیرنده نبوده باشد.

مکن به چشم حقارت نگاه در من مست که نسبت معصیت و زهد بی‌مشیت او

۱۳- حتی اگر از مسائل اجتماعی دلتان هم خون باشد، سنگینی و وقار خود را حفظ کنید و زود با اندک موضوعی برافروخته نشوید. با به کار بردن چنین روشی می‌توانید سنگ صبور دیگران هم باشید.

با دل خونین، لب خندان بیاور هم چو جام نی گرت زخمی رسد آبی چون چنگ اندر خروش
۱۴- آداب معاشرت ایجاب می‌کند که در ارتباط اجتماعی از احترام‌گذاری به دیگران غافل نباشید.

سرفرازم کن شیبی از وصل خود ای نازنین تا منور گردد از دیدارت ایوانم چو شمع حضور جناب‌عالی در منزل حقیر باعث سرفرازی و روشنی سرای ما می‌شود.
۱۵- همیشه با کسانی رابطه‌ی اجتماعی برقرار کنید که با شما سنخیتی داشته باشند.

اگر ز مردم هشیاری ای نصیحت گو سخن به خاک می‌فکن چرا که من مستم

۱۶- آداب معاشرت ایجاب می‌کند که در ارتباط‌های اجتماعی از خودخواهی‌ها و خود کامگی بپرهیزید و رابطه‌ای قلبی با مردم برقرار سازید.

فکر خود و رای خود، در عالم رندی نیست کفرست در این مذهب خودبینی و خودرایی برهم زدن خودپرستی:

به می پرستی از آن نقش خود بر آب زدم که تا خراب کنم نقش خود پرستیدن روی و ریا:

باده نوشی که در و روی و ریایی نبود بهتر از زهد فروشی که در و روی و ریاست

حاصل خودکامی:

همه کارم زخود کامی به بدنامی کشید آخر نهان کی ماند آن رازی کز و سازند محفل‌ها

۱۷- برتری افراد را بر میزبان نیکوئی، خلق و وفای آنان قرار دهید. دوست خود را طوری انتخاب کنید که ویژگی‌های مذکور را در نهایت داشته باشد. در این صورت است که با یک ارتباط اجتماعی سالم برخورد می‌شوید.

به حسن و خلق و وفا کس به یار ما نرسد ترا در این سخن انکار کار ما نرسد
اگر چه حسن فروشان به جلوه آمده‌اند کسی به حسن و ملاححت به یار ما نرسد

۱۸- در ارتباط‌های اجتماعی، با ایجاد تکیه گاه مطمئن، اعتماد به نفس خود را بالا ببرید و از انبوه دشمنان و اهمه‌ای نداشته باشید.

هزار دشمنم ار می‌کنند قصد هلاک گرم تو دوستی از دشمنان ندارم بآک

۱۹- مناعت طبع داشته باشید و با هر بی‌سروپایی رفت و آمد مکنید. در این صورت است که به مناسبت شما احترام می‌گذارند.

به خط و خال گدایان مده خزینه‌ی دل به دست شاه‌وشی ده که محترم دارد

۲۰- در ارتباط‌های اجتماعی اصل آزادگی و وارستگی خود را از دست ندهید، مردم چنین رفتاری را ترجیح می‌دهند.

جریده رو که گذرگاه عافیت تنگ است پیاله گیر که عمر عزیز بی‌بدل است